

به بهانه سالگرد وفات مجاهد نستوه مرحوم نجم الدین اربکان / مسعود صدرمحمدی

دکتر «نجم الدین اربکان» نخست وزیر فقید اسلامگرایی ترکیه از جمله بزرگترین رهبران اسلامگرایی منطقه است که هنوز هم میراث نیکوی فعالیت های سیاسی او پابرجاست.



آران نیوز/ دکتر «نجم الدین اربکان» نخست وزیر فقید اسلامگرایی ترکیه از جمله بزرگترین رهبران اسلامگرایی منطقه است که هنوز هم میراث نیکوی فعالیت های سیاسی او پابرجاست. اربکان در حالی توانست در یک سیستم لائیک سرکوبگر به مدت 5 دهه فعالیت کند که بارها احزابی که او با هدف تشکیلات سازی برای جریان اسلامگرایی در ترکیه تاسیس کرده بود، توقیف شده و خود او بارها زندانی شد.

اما هیچ کدام از این سرکوبها نتوانست که عزم راسخ او برای تلاش در راستای گسترش اندیشه اسلامگرایی در قلب لائیسیتی جهان اسلام را سست کند. به مناسبت ششمین سالگرد درگذشت وی، در گزارشی به گوشه‌هایی از زندگی این شخصیت اسلامگرایی معاصر پرداخته‌ایم؛ نجم الدین اربکان در سال 1951 از طرف دولت ترکیه عازم آلمان شد تا تحصیلات علمی خود در موضوع موتورها را در دانشگاه آخون آلمان ادامه دهد. در این دانشگاه با توجه به لیاقت علمی‌اش به عنوان دستیار پرفسور اسمیت که به عنوان نفر اول مهندسی ساخت موتور در آلمان شناخته می شد مشغول کار شد و در عرض یک سال و نیم سه پروژه مهندسی را به سرانجام رساند. تنها یکی از این پروژه ها کافی بود تا او به عنوان دکترای نایل شود.

سالهای حضور اربکان در آلمان سالهایی است که هویت دینی و اسلامی او شکل می‌گیرد. در این دوره حوادث متعددی باعث می‌شود تا دانشمند جوان مسلمان در اروپا برای خود هویتی اسلامی و در ادامه هویتی مبارز تعریف کند. در این میان دو حادثه مهم آینده اربکان را تغییر می‌دهد.

نخستین رویداد سفارشات مستمر دولت ترکیه برای تهیه ساده ترین ملزومات کشاورزی و نظامی خود به آلمان بود. اربکان در حالی که به عنوان یک دانشمند جوان بن‌بست‌های علمی موتورسازی در اروپا را فتح می‌کرد شاهد بود که میهن خود از شرکتهایی که او در آنجا کار می‌کند ساده ترین موتورهای صنعتی را درخواست می‌کند و آلمانی‌ها تولیدات خود را به چند برابر قیمت تمام شده به ترکیه به فروش می‌رسانند. طبیعتاً این وضعیت برای او قابل تحمل نبود. این وضعیت بعدها با تلاشهای موفق اربکان برای تولید نخستین موتور ملی در ترکیه به ثمر نشست و او توانست با همکاری تعاونی بیش از 200 نفر از دینداران ترکیه، نخستین کارخانه تولید موتور بومی را احداث کرده و نخستین موتور ملی را در ترکیه تولید کند.

اربکان بعدها در دوره نخست وزیری خود و پیش از آن، زمانی که به عنوان مدیر اتاق صنایع ترکیه وارد فعالیت می‌شود نهضت تاسیس صنایع سنگین در ترکیه را با هدف خودکفایی و استقلال از فشارهای اقتصادی و صنعتی اروپا آغاز می‌کند.

حادثه‌ای دیگر نیز زندگی اربکان را تغییر می‌دهد. این حادثه را اربکان در کتاب «مبارزه من» (Davam) که در واقع مانیفست فکری او قلمداد می‌شود چنین نقل می‌کند: «من به عنوان دستیار پروفیسور اسمیت که معروفترین متخصص و نفر اول مساله موتور سازی در آلمان بود مشغول فعالیت بودم. روزی اسمیت با دادن دعوت نامه ای به من گفت که به همایشی محرمانه دعوت شده است اما به دلایلی نمی تواند در آن حضور یابد و از من خواست تا در آن همایش شرکت کنم.

من شب به محل همایش مراجعه کردم با در دست داشتن دعوت نامه توانستم که وارد سالن همایش که تحت تدابیر امنیتی و کنترل شدید بود، شوم و به جای پروفیسور اسمیت در جای او بنشینم. موضوع همایش که افراد سرشناس بسیاری از رده های مختلف علمی، اداری، سیاسی و اقتصادی در آن حضور داشتند بر اساس دعوتنامه «بررسی وضعیت امروز عربستان» بود. اما دکتر مولر رئیس کل شرکت نفتی ESSO به عنوان سخنران آغاز کننده همایش گفت:

اگرچه شماها را با عنوان دعوت به همایشی با عنوان بررسی وضعیت امروز عربستان دعوت کرده‌ام اما این عنوان به دلیل محرمانه بودن موضوع اصلی همایش انتخاب شده است. هدف اصلی همایش از این قرار است که ما با همکاری دوستان آمریکایی در منطقه دمام عربستان توانسته‌ایم عظیم ترین منابع نفتی جهان را کشف کنیم. من به تازگی از این منطقه بازگشته‌ام. در این جلسه که مهمترین افراد اروپا از مهمترین شهرهای آن جمع شده‌اند می خواهیم با شما در مورد این که چگونه می‌توانیم از این منابع نفتی به نفع خودمان بهره برداری کنیم مشورت بگیریم. برای همین پس از ارائه اطلاعاتی کوتاه در مورد وضعیت این ثروت از شما خواهیم خواست تا توصیه هایتان را به ما منتقل کنید»

اربکان ادامه می دهد: «آن زمان منابع نفتی عربستان بزرگترین منابعی بود که به تازگی کشف شده بود و 20 درصد از منابع کل نفت جهان را تشکیل می‌داد. اروپایی‌ها از همان روزهای نخست تصمیم گرفته بودند تا برای آن منابع فکری بکنند. دکتر مولر در ادامه سخنان خود اطلاعاتی عجیب و غریب در مورد اسلام ارائه داد و در ادامه جلسه حاضران چنان پیشنهادهای غیرانسانی‌ای برای بیرون کردن منابع نفتی مسلمانان از دست آنان دادند که آن روز سخت ترین روز حیاتم برای تحت کنترل گرفتن خودم بود. اما همان شب نامه‌ای 40 صفحه ای برای دوستانم در ترکیه نوشتم و آنان را از آنچه گذشته بود مطلع کردم.»

بر اساس چنین تجربیاتی اربکان معتقد بود که اروپا جهان اسلام را تنها در سطح یک تولید کننده محصولات کشاورزی و میوه می داند و حاضر به قبول کشورهای اسلامی به عنوان یک توان فنی و علمی در جهان نیست. او منافع ترکیه را نیز که سالهاست در برابر در اتحادیه اروپا به انتظار نشسته است را نه در عضویت اتحادیه اروپا که ایجاد اتحادیه ای اسلامی با مشارکت کشورهای توانمند جهان اسلام می‌دانست. وی با اشاره به آرزوی افراد مسلمان برای عضویت در یک اتحادیه مسیحی و نوع نگاه حقارت آمیز صلیبیان به جهان اسلام به دلیل تفوق صنعتی آنها، این آزمندی مسلمانان به عضویت در اتحادیه اروپا را ناشی از شکست در برابر نفسانیت خود دانسته و راه حل را در ایجاد بازار مشترک اسلامی برای مدیریت عرضه و تقاضا در جهان اسلام و مبارزه با هژمونی اقتصادی پولی صهیونیسم بر جهان می دانست.

اربکان معتقد بود که صهیونیسم تمساحی است که آمریکا آرواره بالایی و اتحادیه اروپا آرواره پایینی آن را تشکیل می‌دهد. در مغز این تمساح متفکران صهیونیست قرار دارند و بدن آن دلالان و همکاران آسیایی و غیرآسیایی آنها است. جهان مسیحی سعی دارد تا به اهدافی که با جنگ های صلیبی دست نیافته است یعنی تحت حاکمیت و تجزیه در آوردن جهان اسلام از طریق اتحادیه اروپا و سازمان های مالی به انجام برساند.

این نوع نگاه اربکان به مناسبات جهان غرب با جهان اسلام علاوه بر جهان بینی مبتنی بر اسلام و کفر و ناشی از تجربیات شخصی او در دوره های مختلف اقامتش در اروپا بود. وی با بازگشت به ترکیه پس از مدتی فعالیت علمی متوجه می‌شود که چاره‌ای جز ورود به میدان سیاست حرفه‌ای ندارد و باید راهی برای ملت ترکیه و در نهایت امت اسلامی از سلطه غرب زدگان و غربیان پیدا کند.

او سیاست را یک «جهاد» می‌داند و هر نوع فعالیت سیاسی را به شرط آن که در راستای تحقق عزت ملل اسلامی و در نهایت رهایی تمام ملت‌های مستضعف، فارغ از دین و وابستگی نژادی‌شان از مقوله جهاد به شمار می آورد.

مفهوم جهاد از کلید واژه‌های فهم حیات سیاسی و فکری اربکان است و این مفهوم به حدی حیات او را تحت تاثیر خود قرار داده بود که اگر چه اسلام گرایان ترکیه در محافل شخصی از او همواره با عنوان «استاد» (Hoca) یاد می کردند اما به هنگام تجمعات چند هزار نفری تنها شعاری که لایق اربکان بود عنوان «مجاهد» بود که یک صدا از سوی طرفدارانش فریاد زده می‌شد.

از منظر اربکان وظیفه بنیادین هر مسلمانی جهاد در نبرد تاریخی موجود میان حق و باطل است که از ابتدای تاریخ وجود داشته و تا انتهای آن نیز وجود خواهد داشت. جهاد به

معنای تلاش با تمام وجود و تمام قوا برای حاکم شدن حق در جامعه و وصول انسانها به آرامش و حریت است بی آنکه از قدرت‌های دنیوی هراسی به دل باشد. جهاد به معنای توجه به رسالتی است که هر مسلمان در برابر ملت خود، امت اسلام و تمام بشریت بر عهده دارد. هر مسلمان موظف به جهاد است تا روزی که حق تمام زمین را فراگیرد. انسانی که دست به جهاد نزند بی شک نخواهد توانست که از امتحان الهی این جهان سربلند خارج شود. در همین راستا و برای نیل به این غایت بزرگ است که سیاست در میدان توجه اربکان قرار می‌گیرد. از دیدگاه او کسی که بگوید سیاست به من ربطی ندارد در واقع می‌گوید که نیمی از قرآن به من ربطی ندارد. چرا که سیاست یکی از اوامر اصلی قرآن کریم و عبادتی عظیم است. در دیدگاه اربکان برای رسیدن انسانیت به سعادت، برای حکومت حقیقت در برابر باطل، سود در برابر ضرر، عدل در برابر ظلم و زیبایی در برابر کژی مجبوریم که دست به مبارزه بزنیم. چرا که در غیر این صورت تبدیل به تماشاگرانی خواهیم بود که در مقابل چشمان ما حقوق مستضعفین و فقرا پایمال می‌شود و ما هیچ کاری انجام نمی‌دهیم. در این صورت فرد مسلمان با سکوت در برابر ظلم به نوعی یاور و حامی ظالم می‌شود. عدم اقدام به جهاد در واقع خسران دو سرای هستی است چرا که در این جهان در برابر ظالمان ذلیل خواهیم شد و در آن جهان در برابر خداوند رو سباه. او در یکی از سخنرانی‌های خود گفته بود: «گاهی اوقات از من می‌پرسند شما تمام مقاطع تحصیلی‌تان را به عنوان فرد ممتاز به پایان برده‌اید، موفقیت‌های علمی بزرگی را به دست آورده‌اید اگر در عرصه علمی می‌ماندید و موفقیت‌های علمی‌تان را ادامه می‌دادید، بهتر نبود؟ جواب من این است شما می‌توانید یک استاد تمام دانشگاه باشید حتی جایزه نوبل هم دریافت کنید اما اگر کشورتان مانند امروز گرسنه باشد و در سختی‌ها دست و پا بزنند، اگر در دنیا 300 هزار کودک از گرسنگی درحال جان کندن باشند، گرفتن جایزه نوبل به چه دردی می‌خورد؟ برای همین از خداوند به خاطر نصیب کردن چنین توفیقی که خدمت به هفتاد میلیون ملت خودمان و همه انسانیت است، تشکر می‌کنیم تلاش ما این است که در این جهان برای سعادت و خوشبختی همه انسانها تلاش کنیم و به عنوان یک مسلمان امتحان این جهان را با جان و مال خود به سرانجام برسانیم چرا که حیات چیزی جز ایمان و جهاد نیست.»

اربکان بر اساس قرائتی جهادی که از اسلام داشت اسلام را دین خوش بینی و تسامح می‌دانست اما در عین حال هر دو نوع قرائت خشونت آمیز و قرائت متساهلانه از اسلام با نام اعتدال را انحراف از مبانی اسلامی ارزیابی می‌کرد. او معتقد بود که چیزی به نام اسلام معتدل وجود ندارد و اسلام اسلام است با تمام مختصات ذاتی آن. او اسلام و مسائل جهان اسلام را مساله‌ای فرا مذهبی تلقی می‌کرد و تمام تلاش خود را همواره برای ایجاد هماهنگی و ملاقات میان مسئولان دولتی و مذهبی مذاهب مختلف اسلامی انجام می‌داد. او در دوره نخست‌وزیری خود برای تاکید بر نظریه اتحادیه بزرگ اسلامی خود و تاکید بر نگاه فرامذهبی‌اش، نخستین سفر رسمی خود را بر خلاف تمام نخست‌وزیرهای تاریخ ترکیه که به آمریکا سفر می‌کردند به ایران انتخاب کرد.

او فارغ از این که مردی به شدت مذهبی و متدین در مذهب حنفی بود ایران و انقلاب اسلامی ایران را جنبشی که ناشی از قیام جبهه حق علیه باطل در تاریخ بشر است ارزیابی کرده و کمک به ایران را وظیفه حق طلبانه خود می‌دانست. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران او در یک سخنرانی خود در مجلس ترکیه طی اقدامی تامل برانگیز به قرائت سوره فیل پرداخته و به صورت ضمنی خبر از موج‌گیری اندیشه اسلامی در جهان در برابر سیستم‌های لائیک می‌دهد.

او البته خیلی زود هزینه این نوع نگاه و تعاملات را هم پرداخت کرد و یکسال پس از به قدرت رسیدنش در یک کودتای نظامی در سال 1997 از نخست‌وزیری کناره‌گذاشته شد و حزب رفاه که وابسته به او بود، منحل اعلام شد. اربکان که بزرگترین قراردادهای گازی تاریخ ترکیه را با ایران منعقد کرده بود، آخرین سفر خارجی عمر خود را نیز در سال 2011 به ایران انجام داد و چند ماه پس از آن در 9 اسفند 1389 دارفانی را وداع گفت.

تشییع جنازه او یکی از بزرگترین تشییع جنازه‌های معاصر ترکیه به شمار می‌آید که با حضور تمام احزاب و حتی مقامات ارتش انجام شد. در این تشییع جنازه از شصت کشور دنیا نمایندگان جریان‌های اسلامی حضور یافتند.

نکته جالب این که بنابه وصیت اربکان برای او هیچ گارد رسمی و مراسمات تشریفاتی رسمی انجام نشد. اما دوست‌داران و شاگردان او از تمام شهرهای ترکیه خاک آورده و قبر او را با خاکهایی که از سراسر کشور آورده شده بود پوشاندند. حتی علاوه بر ترکیه، خاک مسجد الاقصی، قبرس شمالی (منطقه مسلمان نشین) و خاک مزار دوست او و رهبر مسلمان بوسنی «علی عزت بگوویچ» هم برای مزار او آورده شد.